

فقه حج : نماز مسافر در مکان های چهارگانه - 2

نویسنده: درگاهی، مهدی

فقه و اصول :: میقات حج :: زمستان 1389 - شماره 74
از 19 تا 46

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/859956>

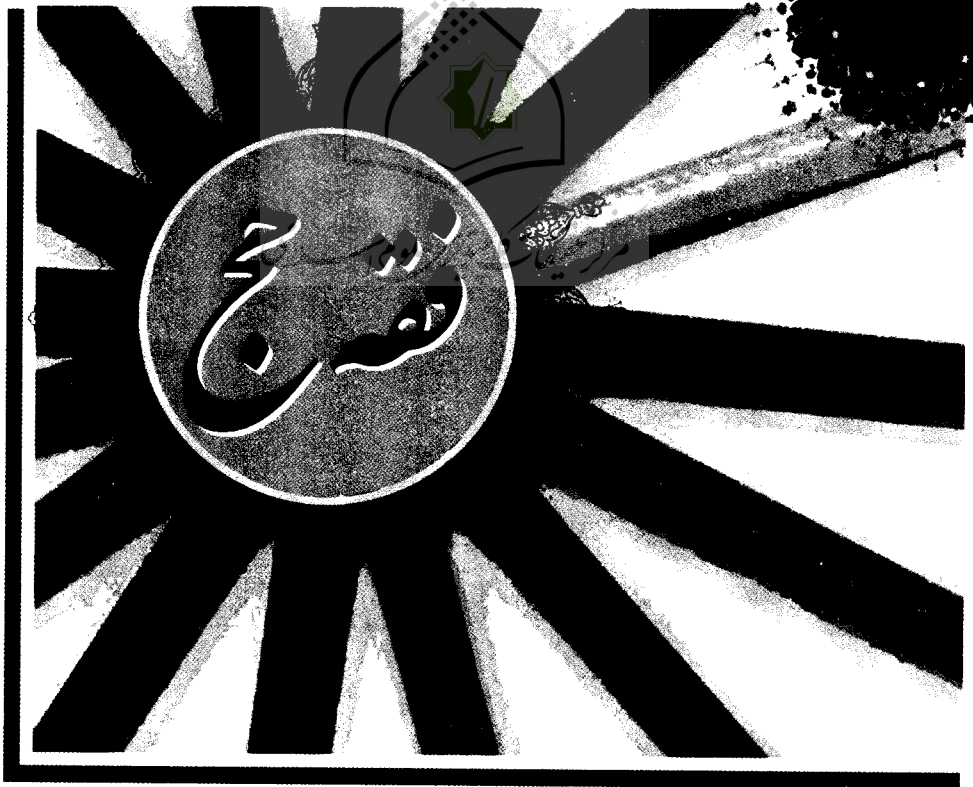
دانلود شده توسط : abazar nasr

تاریخ دانلود : 1393/05/04 09:57:52

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

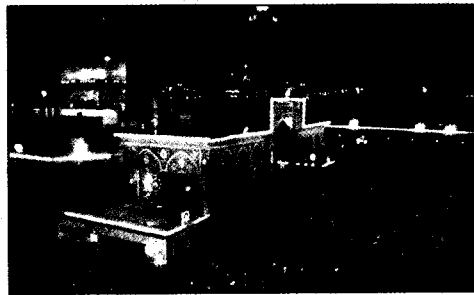
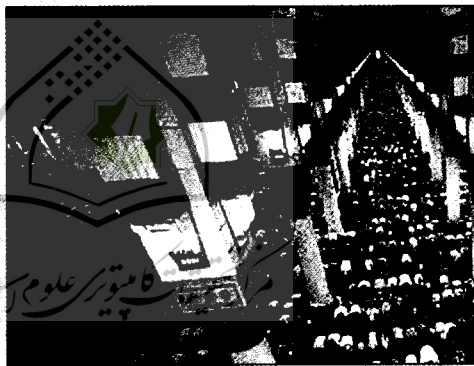




نماز مسافر

در مکان‌های چهارگانه (۲)

مهدی درگامی



بخش نخست این نوشتار در شماره ۷۲ از نظر خوانندگان میقات حج گذشت وعده کردیم که ادامه آن را در شماره ۷۳ منتشر کنیم لیکن از آنجا که شماره یاد شده به مقالات اسرار و معارف حج اختصاص یافت و با عنوان «ویژه نامه» منتشر گردید، ناگزیر شدیم قسمت دوم را در این شماره به شما گرامیان تقدیم کنیم:

میقات

۲۰

نماز مسافر در مکان‌های چهارگانه

شماره ۷۳ - زمستان ۱۳۸۹



بخش سوم

قول به تخییر با افضلیت تمام و ادله آن

قائلین به تخییر با افضلیت اتمام

در این بخش، بر خلاف رویه بخش‌های گذشته، به روش مرحوم عاملی در «مفتاح الکرامه» تاسی کرده با توجه به تعبیرات گوناگون فقها در بیان قائلین به تخییر و به جهت گستردگی قائلین این قول، کلمات علما را به چند دسته کلی تقسیم و اینگونه ارائه می‌کنیم:

* علامه حلی در کتاب شریف «تذکره»،^۱ صاحب مدارک^۲ و مرحوم سبزواری^۳ این قول را مذهب و رأی اکثر فقها دانسته‌اند. *مفکر تحقیقات کامپوتر علوم اسلامی*

* علامه حلی در کتاب «مختلف»،^۴ صاحب معالم،^۵ اردبیلی،^۶ بهبهانی،^۷ بحرانی،^۸ راشد صیمری^۹ و صاحب جواهر^{۱۰} بر این عقیده‌اند که قول مشهور فقها، تخییر با افضلیت تمام است.

البته مرحومان حکیم^{۱۱} و صاحب جواهر^{۱۲} با این تعبیر آورده‌اند: «شهرت عظیمی که نزدیک به اجماع فقها است.»

محقق اصفهانی،^{۱۳} سید ابوالحسن اصفهانی،^{۱۴} خویی^{۱۵} و صاحب مستمسک^{۱۶}، اصل تخییر را مشهور می‌دانند.

صاحب وسائل^{۱۷}، این قول را مذهب همه و یا اکثر امامیه معرفی می‌کند؛ صاحب ریاض^{۱۸} گوید:

«کلام مرحوم حرّ عاملی (صاحب وسائل) ظهور در اجماع فقها بر این قول دارد.»
 مرحومان شیخ طوسی^{۱۸} و ابن ادریس^{۱۹} این قول را اجماعی اصحاب دانسته‌اند.

شهید اول،^{۲۰} محقق کرکی،^{۲۱} شهید ثانی^{۲۲} و سید بحر العلوم^{۲۳} می گویند: این قول، مذهب اصحاب و از منفردات ایشان است.

ادله قائلین به تخییر

دلیل اول: اجماع

مرحوم شیخ طوسی،^{۲۴} یکی از ادله این قول را، اجماع فقها شمرده است. صاحب ریاض نیز بعد از نقل کلام صاحب وسائل و تفسیر آن بر ظهور در اجماع، این اجماع را یکی از ادله قول به تخییر دانسته است.^{۲۵}

اشکال

این دلیل، از جهت صغروی و کبروی محل تأمل است؛ چرا که:

۱. با وجود مخالفانی چون مرحوم صدوق، چنین اجماعی چگونه منعقد می شود؟!
۲. اجماع مدرکی است و یا حداقل مدرکی بودن آن محتمل است؛ بنابراین، حجت نخواهد بود.

دلیل دوم: روایت عمران بن حمران:

«قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَقْصَرَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ أْتَمُّ؟ قَالَ: فَإِنْ قَصُرَتْ فَلَكَ وَإِنْ أْتَمَّتْ فَهُوَ خَيْرٌ وَزِيَادَةُ الْخَيْرِ خَيْرٌ».^{۲۶}

«به امام رضا عرض کردم: در مسجدالحرام شکسته [نماز] بخوانم و یا تمام؟ امام فرمود: اگر شکسته خواندی، پس برای توست [که مجزی است] و اگر تمام خواندی پس آن بهتر است و طلب خوبی و خیر، بهتر است.»

دلیل سوم: صحیحه حسین بن مختار

«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّا إِذَا دَخَلْنَا مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ نَتَمُّ أَوْ نَقْصُرُ؟ قَالَ: إِنَّ قَصْرَتْ فَذَاكَ، وَإِنْ أْتَمَّتْ فَهُوَ خَيْرٌ يَزِدُّكَ».^{۲۷}

«از حسین بن مختار، از امام موسی کاظم نقل شده است که به امام عرض کرد، وقتی وارد مکه و مدینه می شویم، [نماز را] تمام یا شکسته

بخوانیم؟ امام فرمود: اگر شکسته بخوانی که مجزی است و اگر تمام بخوانی پس آن خیری است که ثواب نماز را زیاد می کند.»

دلیل چهارم: روایت علی بن یقطين:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقِطِينَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ التَّقْصِيرِ بِمَكَّةَ، فَقَالَ: أْتَمُّ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ إِلَّا أَنِّي أَحِبُّ لَكَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِي.»^{۲۸}

از علی بن یقطين نقل شده که گفت: از امام موسی کاظم درباره شکسته خواندن در مکه پرسیدم امام فرمود: تمام بخوان، البته واجب [تعیینی] نیست منتها دوست دارم برای تو هر آنچه که برای خود دوست دارم.»

بررسی دلالی

کوهکمری،^{۲۹} صاحب حدائق،^{۳۰} میلانی،^{۳۱} خوانساری^{۳۲} و خویی علیه السلام این روایات را از جمله روایات دال بر تخییر شمرده و آن را دلیل و مستند مشهور علما در این قول دانسته اند. مرحومان سبزواری،^{۳۳} صاحب ریاض،^{۳۴} صاحب جواهر،^{۳۵} میرزای قمی^{۳۶} و حائری^{۳۷} این روایت را صریح و نص در مذهب و رأی مشهور فقها [تخییر با افضلیت تمام] می دانند.

دلیل پنجم: صحیحۀ علی بن یقطين:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقِطِينَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي الصَّلَاةِ بِمَكَّةَ، قَالَ: مَنْ شَاءَ أَتَمَّ وَ مَنْ شَاءَ قَصَرَ.»^{۳۸}

از علی بن یقطين، از امام رضا نقل شده که نماز در مکه [چگونه است؟] امام فرمود: هر کس می خواهد تمام بخواند و هر کس می خواهد شکسته بخواند.»

بررسی دلالی:

صاحب جواهر،^{۳۹} بهبهانی،^{۴۰} حائری،^{۴۱} صاحب مدارک^{۴۲} و میرزای قمی علیه السلام^{۴۳} این روایت را صریح در تخییر دانسته اند. البته این روایت بر افضلیت اتمام - که بخشی از مدعای مشهور فقهای امامیه است - دلالتی ندارد و تنها دال بر اصل تخییر است.

دلیل ششم: صحیحه علی بن مهزیار:

«عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام الرِّوَايَةَ قَدْ اخْتَلَفْتُ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي الْإِتْمَامِ وَالتَّقْصِيرِ لِلصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَمِنْهَا أَنْ يَأْمُرَ بِتَمِيمِ الصَّلَاةِ وَلَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَمِنْهَا أَنْ يَأْمُرَ بِقُصْرِ الصَّلَاةِ مَا لَمْ يَبْنُو مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ ... فَإِنْ فُقِّهَاءُ أَصْحَابِنَا أَشَارُوا عَلَيَّ بِالتَّقْصِيرِ، إِذَا كُنْتُ لَا أَنْوِي مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَقَدْ ضِغْتُ بِذَلِكَ حَتَّى أَعْرِفَ رَأْيَكَ فَكَتَبْتُ بِخَطِّهِ: قَدْ عَلِمْتُ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ فَضَّلَ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ عَلَيَّ غَيْرِهِمَا، فَأَنَا أَحَبُّ لَكَ إِذْ دَخَلْتُهُمَا أَلَّا تَقْصُرَ وَتُكْتَرَّ فِيهِمَا مِنَ الصَّلَاةِ فَقُلْتُ: لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بَسَنَتَيْنِ مُشَافِهَةٌ إِنِّي كَتَبْتُ إِلَيْكَ بِكَذَا وَ أَجَبْتَنِي بِكَذَا، فَقَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ تَعْنِي بِالْحَرَمَيْنِ؟ فَقَالَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ.»^{۴۴}

علی بن مهزیار نقل می کند که به امام جواد علیه السلام نامه نوشتم که روایات رسیده از سوی پدرانتان در مورد تمام یا شکسته نماز خواندن در حرمین شریف [یعنی حرم الله و حرم الرسول] مختلف است، در برخی از آنها به تمام خواندن نماز هر چند که یک نماز هم باشد امر شده است، و در برخی دیگر به شکسته خواندن مادامی که قصد اقامت نشده است، امر شده است ... فقهای از اصحاب شما مرا به شکسته خواندن نماز رهنمود دادند [البته مادامی که قصد اقامت ده روز در این اماکن نداشته باشم] سینه ام تنگ شد تا اینکه نظر شما را جویا شوم، پس امام به خط و نوشته خود، چنین مرقوم نمود: تو که به فضیلت نماز در حرمین شریف نسبت به غیر آن آگاهی، پس دوست دارم وقتی وارد این دو مکان شریف می شوی شکسته بخوانی و بسیار نماز بگزاری، پس بعد از دو سال به صورت حضوری به محضر ایشان مشرف شدم و گفتم که من برای شما نامه نوشتم و شما چنین جواب دادید؛ مرادتان از حرمین شریف چه بود، امام فرمود: مکه و مدینه»



بررسی دلالی

مرحومان اردبیلی، میلانی، خوانساری، خویی و برخی از معاصرین، این روایت را از جمله روایات دال بر تخییر با استحباب، شمرده‌اند.^{۴۵}

اشکال

مرحوم بهبهانی، کلام امام علیه السلام [قَدْ عَلِمْتَ بِرَحْمِكَ اللَّهُ فَضَّلَ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ عَلَيَّ غَيْرِهِمَا، فَأَنَا أَحَبُّ لَكَ إِذْ دَخَلْتُهُمَا أَلَّا تَقْصُرَ] را اینگونه معنا می‌کند: «از تعلیل امام علیه السلام به دست می‌آید که تمام خواندن نماز در این اماکن، در اختیار ابن مهزیار است؛ امام علیه السلام می‌فرماید: «تو که فضیلت نماز در آنجا را می‌دانی؛ پس دوست دارم تمام خواندن را انتخاب کنی». آن حضرت دوست داشتن را به خودش نسبت می‌دهد؛ بنابر این، اگر مراد از تخییر در این روایت، تخییر الهی (و تخییر به عنوان حکم واقعی) است، اجا داشت که امام علیه السلام در پاسخ چنین مرقوم می‌کردند: حق با آن دسته روایات است. فقها خطا کردند و حکم خداوند تخییر با افضلیت تمام است و افضلیت تمام را بدون حتمیت آن برای تو برگزید.»^{۴۶}

دلیل هفتم: روایت ابی شبل:

«عَنْ أَبِي شَيْبَلٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ نَعَمْ، زُرِ الطَّيِّبَ وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِيهِ، قُلْتُ: فَإِنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَرَوْنَ النَّقْصِيرَ، قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةَ».^{۴۷}

«از ابو شبل نقل شده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: قبر شریف امام حسین علیه السلام را زیارت کنم؟ فرمود: آری، زیارت کن و نمازت را در آنجا تمام بخوان. گفتم: برخی از اصحاب شما نظر به شکسته خواندن داده‌اند. فرمود: این کار را ضعفا انجام می‌دهند.»

احتمالات در معنای کلام امام علیه السلام: «إِنَّمَا يُفَعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةَ»

دو احتمال از مرحوم مجلسی:

- ممکن است مراد از آن، کسی است که ضعف در دین [ضعف ایمان] و جهل به احکام شریعت دارد و همین موجب شده تا مرجوح (و شکسته خواندن) را برگزیند.
- و شاید مقصود کسی است که ضعف در بدن دارد و اتیان تمام برای وی دارای سختی و مشقت است و این باعث گردیده که مورد آسانتر را اختیار کند و لو این که مرجوح باشد.^{۴۸}

مرحوم مجلسی پس از بیان این دو معنا، احتمال دوم را اظهر و مؤید قول اختیاری خود می‌شمارد؛ یعنی تخییر را با استحباب تمام بر می‌گزیند و مورد نخست را هم منافی با این قول [و روایات پیشین؛ از جمله روایت ایوب بن نوح و علی بن مهزیار و... نمی‌داند؛ چرا که چه بسا ضعف در دین به خاطر انتخاب مرجوح باشد.^{۴۹}

اشکال مرحوم بحرانی به هر دو احتمال مجلسی و بیان احتمال سوم:

دو احتمال یاد شده، به ویژه معنای نخست، با آنچه در کتاب کامل الزیارات آمده، سازگار نیست و آن این بود که ایوب بن نوح و کسانی که از آن‌ها نقل می‌کند، قصر را برگزیده‌اند.^{۵۰} و نیز با آنچه از روایت علی بن مهزیار برداشت شده، منافات دارد.^{۵۱} گویا مرحوم مجلسی از این مطلب غفلت نموده که بزرگان اصحاب و فقهای ائمه اطهار علیهم السلام قصر را به شهادت علی بن مهزیار و ایوب بن نوح انتخاب کردند و این با ضعف در دین و جهل به احکام شریعت و ضعف و مشقت بدنی ایشان سازگار نیست. بنابر این، ممکن است، مراد کسی باشد که با علم به این مسأله که تمام خواندن افضل است، شکسته نماز بخواند و مرجوح را انتخاب کند (حال یا به خاطر ضعف در بدن و یا جهل به احکام و ضعف در دین).

و دیگر علما و بزرگان، از آن جهت که احادیث دال بر قصر را بر بقیه اخبار ترجیح دادند، علم بر افضلیت تمام برایشان حاصل نشد؛ پس، عمل آنان، ضعف در دین و جهل به احکام شمرده نخواهد شد.^{۵۲}

احتمال چهارم:

مرحومان بهبهانی و میلانی، با اشاره به منافات یاد شده در کلام صاحب حدائق، در رد احتمال مرحوم مجلسی، معنای دیگری ارائه کرده می‌گویند: «ممکن است مراد از «ضعفه» کسانی باشند که توان و زمینه قصد اقامت ده روز را ندارند تا بتوانند در این اماکن نمازشان را تمام بخوانند.»^{۵۳}

احتمال پنجم:

مرحوم کوهکمری نیز در کلامی که ناظر به همین منافات است، معنای دیگری برای روایت نموده و می‌گوید:

ممکن است مراد از «ضعفه» کسانی باشند که به مرحله «اصحاب السر» بودن ائمه اطهار، نرسیده باشند و بعید نیست که امثال ابن نوح و صفوان و ابن ابی عمیر، با تمام عظمت و بزرگی‌شان در علم و عمل، از اصحاب سر نباشند.^{۵۴} البته این بیان مرحوم کوهکمری به نوعی جواب از اشکال صاحب حدائق نیز هست.

دلیل هشتم: صحیحۀ عبدالرحمان بن حجاج

«عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنَّ هِشَامًا رَوَى عَنْكَ أَنَّكَ أَمَرْتَهُ بِالتَّمَامِ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ النَّاسِ قَالَ لَا كُنْتُ أَنَا وَ مَنْ مَضَى مِنْ آبَائِي إِذَا وَرَدْنَا مَكَّةَ اتَّمَمْنَا الصَّلَاةَ وَ اسْتَرْنَا مِنَ النَّاسِ.»^{۵۵}

«از عبد الرحمان، پسر حجاج نقل شده که گفت: به امام رضا عليه السلام گفتم: هشام از شما نقل کرده که امر به تمام خواندن نماز در حرمین داده‌اید. این به خاطر عامه است؟ امام فرمود: نه تنها من بلکه تمام پدرانم وقتی وارد مکه می‌شدیم، نماز را تمام خوانده و آن را از مردم مخفی می‌ساختیم.»

بررسی دلالتی:

بزرگانی مانند اردبیلی، میلانی و بروجردی علیهم السلام، این روایت را از روایات دال بر تخیر شمرده‌اند.^{۵۶} در حالی که مرحومان خوبی و صاحب حدائق، اجمال این روایت را موجب تعدد احتمالات می‌دانند.^{۵۷}

احتمالات در بیان جهت استتار امام و به تبع آن در معنای روایت

احتمال نخست: روشن است که عامه و اهل سنت می دانستند مذهب و رأی اهل بیت، و پیروان شان شکسته خواندن نماز در سفر است (جز مواردی که قصد اقامت ده روز کرده باشند)، بنابراین اگر یکی از ایشان برای کسب فضیلت و ثواب، نمازش را در حریم شریفین تمام می خواند، آن را از اهل سنت مخفی می کرد تا بر او خرده نگیرند؛ زیرا ایشان چنین عملی را مخالف مذهب خود شمرده و تمام خواندن نماز را در شأن عظمت و بزرگی و شرف این اماکن نمی دانستند؛ بنابراین به خاطر دفع این خرده گیری، امام علیه السلام تمام خواندن خود را از عامه مخفی می کردند.^{۵۸}

مرحوم میرزای قمی، این معنا را با عبارتی روشن تر بیان می کند: «اما نماز را به صورت تمام می خواندیم و اعتقاد به افضلیت تمام را از اهل سنت مخفی می کردیم؛ چرا که آنان در تمام شهرها قائل به تخییر هستند و باور قطعی دارند که شیعیان در سفر به هر شهری نماز را قصر می خوانند و فضیلت و برتری اتمام در اماکن چهارگانه [به خاطر عظمت و شرف آنها] را امری غریب می شمردند و این امر موجب شد که شیعیان این باور و اعتقاد خود را از ایشان پنهان کنند تا مورد تشنیع قرار نگیرند.»^{۵۹}

مرحوم اصفهانی به تبیین و شرح بیشتر این احتمال پرداخته، می نویسد: «این که حریم شریفین دارای مزیت تخییر و افضلیت تمام باشند، در هیچ آیه و روایت شیعی؛ از رسول خاتم صلی الله علیه و آله حتی تا زمان امام صادق علیه السلام مطرح نشده و از همین رو است که حدیثی از امام باقر علیه السلام در این باب یافت نمی شود، در حالی که بیشتر احکام شیعه مستند به این امام بزرگوار است. ائمه علیهم السلام و پیروان ایشان در آن زمان، در اماکن چهارگانه مانند سایر شهرها عمل می کردند. بنابراین، تمام خواندن، عملی بود که دلیلی از کتاب و سنت نبوی در نزد اهل سنت نداشت؛ لذا برای دفع ایراد و خرده گیری، مخفیانه تمام می خواندند.»^{۶۰}

اشکال مرحوم بهبهانی:

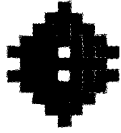
مرحوم بهبهانی پس از نقل کلام مرحوم فیض کاشانی^{۶۱} که به نوعی همین احتمال را در معنای روایت مطرح می کند، به این معنا اشکال کرده، می نویسد: «فساد آنچه ایشان ذکر کرده اند مخفی نیست؛ زیرا اهل سنت همیشه ملازم و همراه اهل بیت نبودند تا ببینند که آنان

در غیر مکه، شکسته نماز می گزارند و در خود مکه بدون قصد اقامت، تمام می خوانند؛ در نتیجه اعتقاد به تفضیل بعضی از شهرها بر بعض دیگر خلاف تقیه باشد! در واقع از شعائر عامه و اهل سنت، تمام خواندن نماز در مسافرت است، اگرچه قصر را در کنار آن مرجوح می شمارند و مذهب شیعه را با این که مخالف اعتقادشان می دانند، پذیرفته اند و انکار و تشییعی نداشتند [البته بنا به گفته شما] در این صورت قول به تخییر در حرمین که به نوعی عین مذهب عامه است، مانعی نداشته؛ لذا وجهی برای استتار و مخفی سازی باقی نمی ماند؛ در حالی که استتار و پنهانی بودن زمانی است که مورد انکار قرار بگیرند و نکوهش شوند...»^{۶۲}

احتمال دوم: ممکن است مراد امام این باشد که اثمه علیه السلام بعد از قصد اقامت در مکه، نماز را تمام می خوانند؛ زیرا بعید به نظر می رسد که ایشان در مکه به صرف تخییر و نه از باب قصد اقامت ده روز، تمام خوانده باشند با این که خود ایشان دیگران را - در صورت قصد اقامت - امر به اتمام کرده، از تمام خواندن بدون قصد اقامت نهی می کردند. پس پاسخ امام علیه السلام اینگونه بود و مصلحت ندید همان را که به هشام فرموده بود به عبدالرحمان نیز بگوید.^{۶۳}

احتمال سوم: چه بسا کلام امام علیه السلام که فرمود: «لَا كُنْتُ أَنَا...»، استفهام انکاری و یا تقریری باشد؛ در این صورت، مراد حضرت اینگونه است: آیا من و پدرانم نبودیم که وقتی وارد مکه می شدیم، نماز را تمام می خواندیم [و اعتقادمان را که حتمیت قصر بود] از عامه پنهان می ساختیم؟ یعنی وضع و حالمان را از ایشان مخفی می کردیم تا متوجه نشوند که ما در سفر نماز را شکسته می خوانیم. در این صورت معنای «اسْتَتَرْنَا مِنَ النَّاسِ» یعنی خودمان را از مردم پنهان می کردیم نه اینکه تمام خواندن را از آن ها مخفی می ساختیم. بنابر این معنا، امام علیه السلام آنچه را که از هشام نقل شده بود، تأیید می کند.^{۶۴}

احتمال چهارم: آنچه از کلام راوی «إِنَّ هِشَامًا رَوَى عَنْكَ أَنَّكَ أَمَرْتَهُ بِالتَّمَامِ» فهمیده می شود این است که امر به تمام خواندن نماز در این اماکن تقیه ای بوده و تمام خواندن در آنجا افضل نیست، امام علیه السلام در پاسخ چنین برداشتی می فرمایند: «مراد من از امر به اتمام، ترس از اهل سنت و برای تقیه نبوده؛ بلکه به جهت فضیلت آن اماکن اینگونه امر کردم؛ من و پدرانم وقتی وارد مکه می شدیم مخفی از عامه نماز را تمام می خواندیم.» در این صورت، امام علیه السلام فهم و برداشت هشام، مبنی بر تقیه ای بودن اتمام را رد نمودند.^{۶۵}



جمع بندی بین ادله

الف (جمع عرفی

تخیر موضوعی

در مورد این جمع که مرحوم صدوق^{۶۶} و قائلین به تعین قصر مطرح می‌کنند؛ باید گفت: روایات دال بر وجوب اتمام [که در فصل دوم مقاله مطرح گردید] نسبت به قصد اقامت ده روز و عدم آن، اطلاق دارند، و روایات دال بر تعین قصر، تمام بودن نماز در این اماکن را به قصد اقامت ده روز مقید نموده است؛ بنا بر این، عمومیت ناشی از اطلاق ادله تمام، بر تقیید ناشی از ادله تقصیر حمل می‌گردد. در این صورت، روایات فصل دوم بعد از این حمل و جمع عرفی، بر استحباب انتخاب اقامت ده روز در این اماکن توسط مسافر دلالت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، این روایات مسافر را ترغیب می‌کنند که در این اماکن عزم و قصد اقامت کند. با توجه به این بیان، مشخص می‌شود که تخیر مستفاد از روایات [مذکور در فصل سوم مقاله] به تخیر مسافر بین انتخاب قصد اقامت ده روز و عدم آن معنا می‌گردد؛ یعنی مسافر در این اماکن شریف، مخیر است خود را از کسانی قرار دهد که با قصد اقامت ده روز، نمازشان را تمام می‌خوانند و یا از کسانی باشد که نمازشان را شکسته می‌خوانند و به اصطلاح، تخیر مستفاد از این روایات، به تخیر موضوعی معنا می‌شود نه حکمی. طبق این حمل، میان اماکن چهارگانه و دیگر شهرها تفاوتی وجود ندارد؛ مگر این که بگوییم انتخاب اقامت ده روز توسط مسافر و در نتیجه تمام خواندن او در این اماکن افضل است.^{۶۷}

اشکال:

قائلین به تخیر حکمی [در این اماکن، که قول مشهور فقها است]، اشکالات متعددی مطرح کرده‌اند که به این صورت دسته بندی و بیان می‌شود:

۱. اشکال اول به تخییر موضوعی

طبق این جمع که بیان شد، دیگر ویژگی و مزیتی برای این اماکن شریف باقی نمی‌ماند؛ زیرا مسافر در تمام شهرها مخیر است که «قصد اقامت ده روز» کند و نیز مخیر است که چنین قصدی نکند؛ در حالی که آنچه از روایات (مانند روایاتی که تمام خواندن را مذخور و از علوم مخزون الهی به شمار آورده) به دست می‌آید، این است که در اماکن چهارگانه، نوعی ویژگی و مزیت وجود دارد.^{۶۸} برای فهم بیشتر و بهتر از این اشکال، شایسته است اشاره‌ای به کلام مرحوم بحرانی داشته باشیم. ایشان می‌گویند: «وجوب تعینی «قصر»، در صورت عدم قصد اقامت و وجوب «تمام» در صورت عزم بر اقامت، نزد اصحاب ائمه، امری واضح و معلوم بوده؛ بلکه چه بسا بتوان آن را از ضروریات دین در نزد ایشان بر شمرد... حال اگر اتمام وارد در این روایات را مقید به قصد اقامت ده روز بدانیم (همانگونه که مرحوم صدوق و کسانی که نظر ایشان را قبول کرده‌اند، قائل به آن هستند) دیگر وجهی برای تکرار این مسأله در اخبار متعدد - که در این باب مطرح شده است - نمی‌ماند؛ [چرا که طبق این جمع، روایات به امری بدیهی اشاره می‌کنند و این با تعدد روایات باب و سؤال از نماز مسافر در این اماکن سازگار نیست] پس حق این است که بگوییم نماز مسافر در این اماکن و سؤال‌ها در ویژگی این اماکن، تنها به این خاطر بوده که آنان مزیت و خصوصیتی از برای این اماکن شنیده بودند و آن همان رجحان اتمام بدون قصد اقامت است.»^{۶۹}

پاسخ از اشکال اول

مرحوم صدوق و پیروان او، مزیت این اماکن شریف را نفی نکرده‌اند؛ چرا که طبق این حمل، صرف «اقامت گزیدن به مدت ده روز» و در نتیجه تمام خواندن نماز، فضیلت دارد؛ در حالی که در دیگر شهرها این فضیلت و خصوصیت نیست؛ به عبارت دیگر، استحباب و رجحان قصد اقامت ده روز در این اماکن، همان خصوصیتی است که باعث ممتاز شدن آن در مقایسه با دیگر شهرها شده و سبب تعدد سؤال اصحاب از ائمه علیهم‌السلام گردیده است.^{۷۰}

نکته: البته از ظاهر روایاتی که تمام خواندن مسافر در این اماکن را مذخور و مخزون علم الهی شمرده‌اند،^{۷۱} به دست می‌آید که خود «تمام خواندن» موضوع امر مذخور است؛ نه این که مقدمه آن یعنی قصد اقامت موضوع آن باشد؛ بنابر این، معنای اینگونه روایات همان مشروعیت

تمام خواندن مسافر در این اماکن به خاطر خصوصیت آن اماکن، خواهد بود. پس آنچه که در جواب از اشکال آوردیم، به نوعی تأویل بردن این روایات به معنای غیر ظاهر است.^{۷۲}

اشکال دوم بر تخییر موضوعی

در اینجا نمی‌توان گفت که این جمع نسبت به برخی از روایات دالّ بر اتمام، جاری است؛ (روایاتی که امر به اتمام در آنها با عباراتی همچون «وَلَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً» یا «مرارا» و یا «حِينَ تَدْخُلُ» همراه است)؛^{۷۳} چرا که این اخبار بر تمام خواندن مسافر به مجرد دخول یا گذر کردن از این اماکن و یا حتی با اقامه یک نماز در آن، تصریح دارند و به اصطلاح، بر تمام خواندن نماز در جایی که قصد اقامت نشده باشد، نص بوده و قابل تقیید نیست.^{۷۴}

اشکال سوم بر تخییر موضوعی

سومین اشکال را مرحوم بحرانی اینگونه مطرح نموده و می‌گوید: «همانگونه که معلوم است، موضوع روایات دال بر وجوب قصر [که در فصل نخست رساله مطرح گردید] تنها شامل دو حرم است؛ [حرم الله و حرم الرسول ﷺ] و در نتیجه، تعارض [بدوی] منحصر در همین دو حرم خواهد بود؛ در حالی که مدعای مرحوم صدوق، وجوب تقصیر در هر چهار مکان شریف است؛ (مادام که قصد اقامت نکرده باشد). بدین ترتیب اخبار دال بر وجوب اتمام، که موضوع آنها دو حرم شریف دیگر است، بدون معارض [بدوی] باقی می‌ماند و تنها خبری که نص بر تقصیر در دو حرم دیگر است، روایت عمار سباباطی^{۷۵} است که درباره حائر حسینی علیه السلام وارد شده، (در این صورت اخباری که موضوع آنها کوفه و حرم امیر مؤمنان علیه السلام بود، بدون معارض باقی می‌ماند) و آن هم ضعیف و نادر است و صلاحیت معارضه با اخبار دال بر تمام را ندارد. در هر حال، اخبار کوفه که معارضی ندارد، چرا باید از تحت اخبار دال بر اتمام خارج گردد؟»^{۷۶} به عبارت بهتر مرحوم صدوق با این جمع، تنها مسأله نماز مسافر در دو حرم الهی و نبوی را حل کرده است.

تخییر حکمی

معنا و تفسیر اول از تخییر حکمی

این جمع (تخییر همراه با افضلیت اتمام) که برخی از قائلین به قول مشهور، آن را مطرح می‌کنند؛ به این شرح است:

روایات تخییر، بر این مطلب تصریح کرده‌اند که مسافر مختار است بین انتخاب قصر یا اتمام در اماکن چهارگانه، و به اصطلاح این دسته از روایات، نص در تخییرند؛ در حالی که روایات اتمام، ظهور در وجوب تعیینی تمام خواندن نماز دارند. بنابراین، با توجه به این که روایات تخییر از روایات اتمام اظهر است، از وجوب تعیینی آن دست برمی‌داریم و بر وجوب تخییری با استحباب تمام خواندن، حمل می‌کنیم؛ به عبارت دیگر تمام خواندن مسافر در این اماکن، عمل به یکی از افراد وجوب تخییری خواهد بود، که البته افضل آن نیز هست. شواهدی از میان روایات تخییر بر این حمل وجود دارد که در آن تصریح می‌کنند: تمام خواندن در این اماکن، به نحو تعیینی واجب نیست؛ همچون روایت علی بن یقطین،^{۷۷} روایت ابن مختار^{۷۸} و عمران.^{۷۹}

از سوی دیگر، روایات تقصیر بر شکسته خواندن نماز (مادامی که قصد اقامت نکرده باشد)، ظهور دارند، که این روایات نیز با توجه به اظهریت روایات تخییر (در جواز شکسته خواندن نماز در این اماکن)، بر نفی وجوب تعیینی اتمام (نفی حتمیت تمام خواندن) مگر در جایی که قصد اقامت شده باشد، حمل می‌گردد.

بنابراین، معنای روایات تقصیر آن است که: مسافر در این اماکن بین شکسته و تمام خواندن نماز مختیر است؛ جز آنجا که قصد اقامت ده روز کند. در این صورت است که تنها تمام خواندن نماز بر او واجب می‌گردد؛ (یعنی اتمام به نحو تعیینی بر او واجب است).^{۸۰}

اشکال بر این معنا از تخییر حکمی

مرحوم حائری،^{۸۱} خویی^{۸۲} و وحید بهبهانی،^{۸۳} دست برداشتن از ظهور تعیینی روایات اتمام را - با توجه به اظهریت روایات تخییر بر جواز - حملی عرفی دانسته و آن را قبول می‌کنند؛ اما نسبت به روایات تقصیر، حمل آن را بر جواز و مرجوحیت نمی‌پذیرند؛ چرا که دلالت این روایات بر شکسته خواندن نماز (مادامی که قصد اقامت نشده) را صریح و غیر قابل حمل می‌دانند؛ به عبارت دیگر، هم روایات تخییر و هم روایات تقصیر را، بر مفاد و مؤدای خود نص می‌دانند و نسبت به این دو دسته از اخبار، قائل به تعارض می‌شوند که در صفحات بعد، به آن خواهیم پرداخت.

تفسیر دوم از تخییر حکمی

مرحوم حکیم در مقام جمع بین ادله، تخییر حکمی را اینگونه بیان کرده است:

«حکم اولی در این اماکن، تخییر مسافر بین شکسته و تمام خواندن نماز است، مگر آن که عنوان دیگری بر آن عارض شود، در این صورت تنها یکی از آن دو (قصر یا تمام) بر مسافر واجب خواهد شد. بنابر این، اختلاف اصحاب در این مسأله، ناشی از اختلاف اوامر صادر شده از سوی ائمه علیهم السلام برای ایشان خواهد بود که آن نیز ناشی از تفاوت جهاتی است که بر حسب آن، یکی از این دو امر به صورت معین (بر مسافر) واجب می باشد.»^{۸۴} [یعنی اگر عنوان ثانوی پدید آید، حکم مسافر در این اماکن تغییر می کند؛ مثلاً اگر قصد اقامت (ده روز) کند، تنها تمام خواندن نماز در این اماکن بر او واجب است و دیگر حق ندارد نمازش را به استناد حکم اولی در این مواضع (که تخییر است)، شکسته بخواند.]

ب) تعارض

همانگونه که گذشت، گروهی از فقها، دلالت بعضی از اخبار را آبی و عاری از حمل و جمع عرفی می دانند؛ لذا در بحث جمع بندی بین روایات باب، قائل به تعارض می شوند و با توجه به مرجحات مطرح شده از سوی معصومین علیهم السلام، بعضی را بر بعض دیگر ترجیح می دهند؛ به جهت نظم هر چه بهتر و دسته بندی شفاف تر، مرجحات مطرح شده در کلمات این علما را به «مرجح خاص» و «مرجح عام» تقسیم نموده و بدینگونه ارائه می کنیم:

* ترجیح خاص

در مورد اخبار متعارض باید گفت: اگر در روایات همان باب، حدیثی از ائمه اطهار علیهم السلام ناظر به اختلاف روایات در آن مسأله خاص، وارد شده باشد و امام علیه السلام در آن روایت یکی از طرفین را بر دیگری ترجیح دهد؛ در اصطلاح «ترجیح خاص» نامیده می شود. در این بحث نیز این ترجیح وجود دارد؛ چنانکه پیش تر نیز مطرح گردید؛ علی بن مهزیار^{۸۵} بعد از آن که اختلاف (و تعارض) روایات وارد شده در این مسأله را در نامه ای برای امام جواد علیه السلام ارسال کرد، حضرت در پاسخ، ناظر به روایات باب، تخییر همراه با افضلیت تمام را (برای مسافر این اماکن)، مأمور به می داند. بنابر این، در بحث ما ترجیحی خاص از سوی ائمه وارد شده و

دیگر وجهی برای رجوع به مرجّحات عام (که در تمام فقه جاری است و کلیات آن در علم اصول مطرح می‌گردد)، باقی نمی‌ماند.^{۸۶}

اشکال

اگر به روایت علی بن حدید بنگریم، خواهیم یافت که در آن حدیث، ابن حدید اختلاف اصحاب در بیان حکم مسافر این اماکن را، به امام رضا علیه السلام نیز عرضه می‌کند و امام علیه السلام در پاسخ ایشان، تمام خواندن را منوط به قصد اقامت ده روز می‌داند؛ [بنابراین، چه وجهی دارد که در ترجیح خاص، به روایت علی بن مهزیار استناد کنیم و روایات دال بر اتمام و تخیر را بر احادیث تقصیر مقدم بدانیم، در حالی که روایت ابن حدید نیز به نوعی ناظر به این اختلاف بوده و اتمام در آن به قصد اقامت ده روز، منوط و مشروط گردیده است].^{۸۷}

جواب از اشکال

روایت علی بن حدید ضعف سندی دارد؛ بنابراین، نمی‌تواند با حدیث ابن مهزیار معارضه کند؛ به عبارت دیگر، تقابل میان «حجت» و «لا حجت» است. پس روایت علی بن مهزیار تنها مرجّح خاص در این مقام است؛ علاوه بر این که با عمل مشهور فقها به آن، نیز تقویت می‌گردد.

به فرض که هر دو روایت را از جهت سند یکسان بدانیم؛ اما روایت علی بن مهزیار مقدم است؛ چرا که از خود معصومین وارد شده که در این موارد ترجیح با روایت اخیر از حیث زمان است؛^{۸۸} به این معنا که اگر روایتی از یکی از معصومین علیهم السلام صادر گردید و معصوم بعد از آن، به گونه دیگری (منافی با آن) پاسخ داد، کلام امام بعدی مقدم است. در بحث ما نیز، روایت ابن مهزیار که از امام جواد علیه السلام صادر گردیده، بر روایت ابن حدید که از امام رضا علیه السلام است، مقدم می‌باشد. بنابر این، مرجّح خاص، تنها حدیث ابن مهزیار خواهد بود.^{۸۹}

* ترجیح عام

در باب تعادل و ترجیح که از مباحث علم اصول است، مرجّحات منصوص، به پنج دسته «ترجیح به احدیّت»، «ترجیح به صفات»، «ترجیح به شهرت»، «ترجیح به موافقت با کتاب» و «ترجیح به مخالفت با عامه» تقسیم شده و حجیت آن‌ها ارزیابی می‌شود؛ هر چند که

بعضی از علما از میان این مرجحات، تنها ترجیح به موافقت با کتاب و مخالفت با عامه را می‌پذیرند.^{۹۰}

در مسأله حکم نماز مسافر در اماکن اربعه، فقها در مقام تعارض میان روایات باب، تنها به «مرجح شهرت» و «مرجح مخالفت با عامه» اشاره می‌کنند؛ البته ترجیح به مخالفت با عامه را در بحث تقیه‌ای بودن دسته‌ای از روایات مطرح می‌کنند. بنابر این، آنچه در این قسمت، از میان مرجحات عام به آن اشاره خواهیم کرد، در مرحله اول ترجیح به شهرت، و بعد از آن ترجیح به مخالفت با عامه می‌باشد.

* ترجیح به شهرت

پیش از آن که نظریات فقها را در این زمینه مطرح کنیم، شایسته است ابتدا شهرت و اقسام آن را بیان نماییم:

شهرت سه نوع است:

- شهرت روایی؛ یعنی راویان بسیاری روایتی را نقل کنند و در مقابل آن، ندرت و شذوذ قرار گیرد. مشهور فقها این قسم را از جمله مرجحات باب تعارض می‌دانند.
- شهرت عملی؛ یعنی استناد مشهور فقها در عمل و در مقام حکم دادن، به خبر و روایتی، که این شهرت جبران‌کننده ضعف سند روایت می‌شود.
- شهرت فتوایی؛ و آن به این معنا است که فتوایی مشهور باشد، بی آن که سند آن فتوا را بدانیم؛ حال این عدم آگاهی از سند، یا به این خاطر است که روایتی در باب وجود ندارد و یا وجود دارد لیکن برخلاف آن فتوا است و یا بر طبق آن است، اما نمی‌دانیم مستند به این روایت بوده یا خیر.^{۹۱}

در بخش اول مقاله مطرح گردید که نخستین دلیل قائلین به تقصیر، شهرت مستفاد از روایت علی بن مهزیار و سعد بن عبدالله است و به تعبیر مرحوم اصفهانی^{۹۲} (شیخ الشریعه) شهرت (عملی و فتوایی) مستفاد از این دو روایت؛ از جمله مبعدات قول به اتمام است. هر چند که در آنجا کلمات فقها به طور کامل (نسبت به اصل استفادة شهرت از این دو روایت و حجیت آن و نظر موافقین و مخالفین) مطرح گردید؛ ولی آنچه در اینجا به دنبال آن هستیم،

این است که ایشان به عنوان مرجح از آن استفاده نکردند، ولی در عوض قائلین به تخییر که در این شهرت خدشه کرده بودند؛ در این بحث شهرت تخییر را به عنوان مرجح ذکر می‌کنند؛ که البته در ادامه متن به کلام ایشان، اشاره می‌گردد.

برخی از قائلین به تخییر؛ مانند مرحوم نراقی^{۹۳} و محقق اصفهانی^{۹۴} (شیخ محمد حسین)، در مقام تعارض میان «روایات دال بر تقصیر» با «احادیث دال بر اتمام و تخییر»، به مرجح شهرت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «بنابراین، به خاطر همین جهت [شهرت عملی] ترجیح با روایات اتمام و تخییر است، علاوه بر اینکه به اعتبار شهرت روایی و فتوایی نیز ترجیح با این روایات [اتمام و تخییر] است.»

* ترجیح «مخالفت با عامه» در نگاه قائلین به تخییر با افضلیت تمام:

برخی از کسانی که به «تخییر با افضلیت اتمام» نظر داده و روایات تقصیر را نص در شکسته خواندن نماز در اماکن اربعه می‌دانند، در باب تعارض بین «روایات تقصیر» با «روایات دال بر اتمام و تخییر»، این مرجح را ذکر می‌کنند و آن را در باب «تقیه‌ای بودن روایات تقصیر» مطرح می‌کنند و برای این حمل (حمل بر تقیه‌ای بودن این دسته از روایات) ادله و وجوهی بیان کرده‌اند که در ادامه به ترتیب به آنها اشاره می‌کنیم.

البته پیش از بیان این وجوه، لازم است به اقسام تقیه اشاره‌ای کنیم تا مراد از آن، در این مبحث واضح شود. همچنین به جهت وضوح هرچه بیشتر مبحث تقیه، شایسته است به آرای مذاهب چهارگانه اهل سنت، در منابع معتبر خودشان اشاره‌ای داشته باشیم:

اقسام تقیه:

- گاهی به دلیل وجود کسانی در مجلس تخاطب، خود امر امام علیه السلام تقیه‌ای است.
- و دوم آنکه، امام علیه السلام گاهی در مورد چیزی حکم می‌کنند یا نظری می‌دهند تا عمل کنندگان به آن، به عنوان شیعه شناخته نشوند. و این، تقیه در عمل است.
- در این مسأله، بحث در مورد تقیه از نوع دوم است؛ یعنی اگر - مثلاً - گفته می‌شود روایات قصر، تقیه‌ای است؛ مراد این است که شیعیان در اینگونه احادیث، مکلف به تقصیر شده‌اند تا در این اماکن خاص شناخته نشوند.^{۹۵}

نظریه اهل سنت در مورد نماز مسافر

ابن قدامه در کتاب «المغنی» می نویسد: «نظریه ابن حنبل تخیر است و رأی شافعی و مالکی اتمام و حنفی به وجوب تقصیر فتوا داده است.»^{۹۶}

نظریه ایشان در کتاب «بداية المجتهد و نهاية المقتصد»^{۹۷} اینگونه آمده است: «ابوحنیفه و پیروانش، قائل به تعیین قصر هستند. شافعی قائل به تخیر است. مالک در بیشتر روایات نقل شده از او، قصر را مستحب مؤکد شمرده و ابن حنبل، شکسته خواندن را رخصت دانسته و اتمام را افضل می شمارد.

دو کتاب «الأم» و «المهذب» که درباره فقه شافعی در قرن پنجم و ششم نوشته شده اند، گفته اند:

شافعی فتوا به جواز قصر داده است.^{۹۸} و کتاب «بدائع الصنائع» که بر اساس فقه حنفی نگاشته شده، نظریه ابوحنیفه را تعیین قصر می داند.^{۹۹}

الجزیری در کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» می نویسد: نظریه شافعی و حنبلی تخیر بین قصر یا اتمام است، البته با این تفاوت که حنبله اتمام را افضل می داند و شافعی ها نیز به شرطی که سفر به حد سه مرحله رسید، قصر را بهتر می داند و حنفی ها و مالکی ها بر این مطلب اتفاق دارند که شکسته خواندن از مستحبات مؤکد است ولی در جزایی که بر ترک آن مترتب می شود اختلاف دارند.^{۱۰۰}

اکنون که مراد از تقیه و آرای اهل سنت در این زمینه مشخص گردید، به ادله قائلین به تخیر در اثبات تقیه ای بودن روایات تقصیر می پردازیم:

ادله تخیری ها در اثبات تقیه ای بودن روایات تقصیر

دلیل نخست: واضح است که عامه و اهل سنت هیچ ویژگی برای این اماکن قائل نیستند و شکسته خواندن نماز برای مسافر در تمام اماکن و شهرها را یکسان می داند، همانطور که سیره و عملشان نیز گویای این مطلب است، (هر چند نظرشان مختلف است و نظریه تعداد زیادی از ایشان به تخیر اشاره دارد؛ چرا که به ظاهر آیه شریفه «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»^{۱۰۱} تمسک جسته اند؛ یعنی «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» را به معنای جواز قصر نماز برای مسافر معنا می کنند؛ به عبارت دیگر، ظاهر آیه شریفه را ملاک قرار می دهند و اینگونه معنا

می‌کنند: «هنگامی که سفر می‌کنید، گاهی بر شما نیست اگر نماز را شکسته بخوانید.»
 البته جای این مطلب، در بررسی حکم کلی نماز در سفر است، اما اشاره می‌کنیم که
 علمای شیعه با استناد به روایات،^{۱۲} آن را عزیمت معنا می‌کنند و نه رخصت. (از سوی دیگر)
 شایسته نیست در این مطلب تردید کنیم که ائمه علیهم‌السلام برای این اماکن خصوصیتی قائل بودند.
 بنابراین، اگر امر به شکسته خواندن نماز در این دسته از روایات برای بیان حکم واقعی باشد،
 همانا این خصوصیت لغو خواهد بود و هیچ‌گونه تفاوتی میان این اماکن و غیر آن نیست.
 بنابراین (باید گفت) روایات دال بر قصر، بر تقیه حمل می‌شود؛ به طوری که اگر هیچ روایتی
 به غیر از روایات این دو دسته (یعنی روایات دال بر تخییر و دال بر تقصیر) در مقام وجود
 نداشت؛ باز هم به خاطر این قرینه قطعی، اوامر دال بر تقصیر را حمل بر تقیه نموده و روایات
 تخییر را مقدم می‌شمردیم.^{۱۳} (در حالی که روایات دال بر اتمام نیز خود دلیل دیگری بر این
 مطلب است).

اشکال دلیل اول

همانگونه که در بحث جمع عرفی اشاره شد؛ بنا بر قول به تقصیر و حمل روایات بر تخییر
 موضوعی، این خصوصیت و مزیت نفی نمی‌شود؛ چرا که طبق این حمل، خود اقامت گزیدن
 به مدت ده روز و تمام خواندن نماز دارای فضیلت است، در حالی که در دیگر شهرها این
 فضیلت و خصوصیت وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، استحباب و رجحان در قصد اقامت،
 همان خصوصیتی است که باعث ممتاز شدن آن در مقایسه با دیگر شهرها می‌شود؛ لذا باید
 گفت: به استناد این دلیل نمی‌توان اخبار تقصیر را حمل بر تقیه کرد.

دلیل دوم: در روایات دال بر اتمام، تمام خواندن نماز، از امور «مذخور» و «مخزون» در
 علم الهی شمرده شده^{۱۴} و این نشان دهنده آن است که تمام خواندن نماز در این اماکن از
 خصائص شیعه محسوب می‌شود. بنابراین، اوامر دال بر شکسته خواندن نماز که موافق با عامه
 است، به یقین از باب تقیه صادر شده‌اند.^{۱۵}

تفاوت دلیل نخست با دلیل دوم

این دلیل با دلیل پیشین تفاوت دارد؛ زیرا در اینجا، از روایات دال بر اتمام؛ مانند دو
 روایت یاد شده، فهمیده می‌شود که تمام خواندن، از ویژگی‌های شیعه محسوب می‌شود و

در نتیجه روایات دال بر قصر، با این بیان، حمل بر تقیه می‌شوند؛ اما در دلیل قبل (دلیل اول) فارق از این روایات و با توجه به این قرینه که این اماکن واجد خصوصیتی هستند که آن را از دیگر اماکن ممتاز می‌کند و احادیث قصر همگام با اهل سنت هیچ‌گونه مزیتی برای آن قائل نیستند؛ لذا بر تقیه حمل شدند.

دلیل سوم: مرحوم خوئی سومین دلیل را حدیث معاویه بن وهب معرفی می‌کند که فرمود:^{۱۶}

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّقْصِيرِ فِي الْحَرَمَيْنِ وَالتَّمَامِ، فَقَالَ: لَا تَمِّمْ حَتَّى تَجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ، فَقُلْتُ: إِنَّ أَصْحَابَنَا رَوَوْا عَنْكَ أَنَّكَ أَمَرْتَهُمْ بِالتَّمَامِ، فَقَالَ: إِنَّ أَصْحَابَكَ كَانُوا يَدْخُلُونَ الْمَسْجِدَ فَيُصَلُّونَ وَيَأْخُذُونَ نِعَالَهُمْ وَيَخْرُجُونَ وَ النَّاسُ يَسْتَقْبِلُونَهُمْ يَدْخُلُونَ الْمَسْجِدَ لِلصَّلَاةِ فَأَمَرْتَهُمْ بِالتَّمَامِ»^{۱۷}

ایشان در توضیح روایت فرموده‌اند: «دلالت روایت بر تقیه ای بودن امر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بر قصر، و مشروعیت تمام فی نفسه واضح و روشن است، و الا اگر مشروع و صحیح نباشد، آیا مجرد خروج و رویارویی با عامه [در هنگام خروج از مسجد] از مسوغات اتمام است، و آیا این، همان امر به ترک نماز در آن روز نیست؟! لذا باید گفت خود این بیان، شاهد درستی استناد تقیه ای بودن به اوامر تقصیر است؛ و الا چگونه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ امر به اتمام فرموده است در حالی که مأمور به نیست؟!»

این فقیه بزرگوار در ادامه، کلام خود را با بیان روایت عبدالرحمان بن حجاج تأیید می‌کند:

«ممکن است آنچه را که مطلوب ماست، با روایت ابن حجاج تأیید کنیم: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هِشَامًا رَوَى عَنْكَ أَنَّكَ أَمَرْتَهُ بِالتَّمَامِ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ النَّاسِ قَالَ لَا كُنْتُ أَنَا وَ مَنْ مَضَى مِنْ آبَائِي إِذَا وَرَدْنَا مَكَّةَ أَتَمُّنَا الصَّلَاةَ وَ اسْتَرْنَا مِنَ النَّاسِ»^{۱۸} چرا که آنچه از استتار تمام خواندن به دست می‌آید، این است که اتمام مخالف تقیه است و عمل عامه بر شکسته خواندن نماز بوده است.»^{۱۹}

در گذشته در خصوص معنای امر امام علیه السلام بر تمام خواندن نماز، در این دو روایت (ذیل روایت ابن وهب و روایت ابن حجاج) و در بیان جهت این امر، به طور کامل و مفصل توضیحاتی به نقل از فقها ارائه گردید؛ و چنانچه بیان شد، یکی از احتمالات مطرح در خصوص روایت این است و در جهت استتار وجوه دیگری نیز وجود دارد که از تکرار آن در اینجا صرف نظر می‌کنیم:

* ترجیح «مخالفت با عامه» در نگاه قائلین به تعیین قصر

قائلین به تقصیر، در فرض تعارض نیز به مرجح «مخالفت با عامه» اشاره و به آن استناد می‌کنند و به استناد آن، اخبار اتمام و تخیر را حمل بر تقیه نموده‌اند. در این مورد کلام مرحوم وحید بهبهانی را می‌آوریم:

«از مهمترین اسباب اختلاف در روایات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام تقیه است و این امری است که عقل و نقل متواتر^{۱۱} بر آن دلالت دارد؛ از سویی هر دو حرم شریف (مکه و مدینه) از مشاهد اهل سنت است؛ به طوری که ترک تقیه در این دو مکان ممکن نیست؛ لذا باید گفت: تمام خواندن نماز در این اماکن، به طور قطع از روی تقیه است. درست است که اهل سنت و ذمیفه مسافر را در تمام شهرها تخیر میان قصر و اتمام می‌دانند، اما شعارشان اتمام است؛ همانطور که:

- حج تمتع را صحیح شمرده‌اند، لیکن شعارشان غیر تمتع است،
- تکتف را مستحب شمرده‌اند، لیکن آن را از شعائر اهل سنت به حساب می‌آورند،

- سجده بر خاک را مستحب می‌دانند، اما آن را از شعائر شیعه می‌شمارند. و مانند این موارد در فقه بسیار است به طوری که برخی از مسائل، از شعائر اهل سنت است و با این که یک طرف را جایز می‌دانند، اما آن طرف دیگر را از شعائر شیعه محسوب می‌کنند. در مبحث ما هم شکسته خواندن را اجازه می‌دهند ولی آن را از شعائر شیعه می‌شمارند. شیعیان در تمام این موارد به دستور ائمه علیهم السلام به تقیه عمل کرده‌اند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «این اعمال را از شما قبول نمی‌کنند»؛ یعنی اهل سنت با این که تقصیر را حلال می‌دانند

و گاهی خود نیز آن را انجام می‌دهند، ولی از شما نمی‌پذیرند و آن را شعار شما می‌دانند و چه بسا اگر آن عمل را انجام دهید، مورد آزار و اذیت قرار بگیرید. چگونه می‌شود که اخبار دال بر تخییر با رجحان تمام - که همان مذهب و نظر اهل سنت است - مذهب و رأی شیعه هم باشد؟! با این‌که در اخبار متواتر به ما رسیده است: «آنچه موافق عامه است، به جهت تقیه بوده و رشد و تعالی در مخالفت آن است.» خلاصه این‌که تمام خواندن از شعائر عامه و قصر خواندن از ویژگی‌های شیعه است و مبحث ما نیز مانند سایر مباحثی است که ائمه تصریح کرده‌اند که به خاطر حفظ خود و کیان تشیع، ما را به اختلاف انداخته‌اند (و سبب صدور روایات متعارض شده‌اند). بنابراین، رعایت قاعده در شناخت روایات مخالف با اهل سنت از موافق، جای هیچ شبهه‌ای را در انحصار حکم بر طبق نظر مرحوم صدوق؛ یعنی تعیین قصر باقی نمی‌گذارد.^{۱۱۱}

اشکالات تقیه‌ای شمردن روایات اتمام

اشکال نخست: بعضی از روایات،^{۱۱۲} بر این مورد حمل نمی‌شوند؛ یعنی روایاتی که تمام خواندن را از امور مخدور و مخزون علم الهی شمرده‌اند، قابل حمل بر تقیه نیستند؛ چرا که وجهی ندارد که اگر اتمام از روی تقیه صادر شده؛ ائمه علیهم‌السلام آن را از مخزون در علم الهی معرفی کنند. اشکال دوم: اگر تمام خواندن از روی تقیه باشد؛ لازم بود ائمه علیهم‌السلام در پاسخ پرسش اصحاب از حکم مسافر در این اماکن، اینگونه می‌فرمودند: «مخفیانه دو رکعت خوانده، سلام بده و برای این که آشکار نشود شکسته خوانده‌ای، دو رکعت دیگر هم بخوان.» اشکال سوم: روشن است که مسجد کوفه و حائر حسینی از مشاهد خاص شیعه است؛ حال چگونه می‌توان گفت که مراد از امر به اتمام در این دو مکان، امر به تخییر نیز هست، و در اینجا حمل بر تقیه می‌شود؟!^{۱۱۳}

پاسخ مرحوم بهبهانی به اشکال سوم

درست است که مسجد کوفه و حائر حسینی از مشاهد خاص شیعه به شمار می‌آید لیکن تفاوتی میان آن دو و مکه و مدینه نیست؛ چرا که در کتب عامه و خاصه، از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم



و ائمه اطهار علیهم السلام روایات بسیاری در فضیلت مسجد کوفه و نماز خواندن در آن و زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام وارد شده است؛^{۱۴} بنابراین، اهل سنت نیز در این اماکن تجمع کرده و آمد و شد داشته و دارند. روشن است که اگر این دو مکان شریف، مخصوص شیعه بود، آنان توسط اهل سنت مورد اذیت و آزار قرار گرفته و از آنجا بیرون می شدند و ائمه نیز از آمدن آنان به این اماکن نهی می کردند، در حالی که چنین نبوده و اهل سنت در کنار شیعه، به این دو مکان آمد و شد داشته و با هم زندگی می کردند و چه بسا شیعیان در اینجا در اقلیت هم بوده اند. به همین خاطر است که زیارت اربعین از علامات شیعه و مؤمنان شمرده شده^{۱۵} و یا زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از علامات مؤمنان خاص محسوب گردیده است.^{۱۶}

عملکرد متوکل را همه می دانیم و شنیده ایم که چه آزار و اذیت ها به شیعه روا داشت!^{۱۷} در عصر وی اگر به شیعه بودن کسی پی می بردند، ساعتی مهلتش نمی دادند!^{۱۸} بنابراین اشکال سوم مبنی بر اختصاص دو مکان مسجد کوفه و حائر حسینی به شیعیان محل تامل و دقت است.

برداشت و نتیجه

پس از روشن شدن مستند اقوال و بررسی تک تک روایات از جهت دلالت، که هر یک از قائلین نسبت به قول خود مطرح کرده اند؛ به بیان نظریات علمای دیگر در این زمینه پرداختیم و بعد از این که عبارات فقها را در دلالت این مستندات، به صورت منطقی مقابل یکدیگر قرار دادیم؛ در ذیل قول به تخیر، وجوه جمع روایات باب را مطرح نمودیم و بنا بر شکل و قاعده اصولی، ابتدا جمع عرفی را بیان کردیم که به نقل از قائلین به وجوب قصر، تخیر موضوعی و قائلین به تخیر، تخیر حکمی بیان شد و بعد از آن، در فرض تعارض، ابتدا مرجح خاص به نقل از فقها و علما مطرح و سپس، بحث مرجح عام ارائه شد که بنا به کلام فقها، در این مبحث منحصر به مرجح «شهرت» و «مخالف با عامه» است.

همچنین نظریات و کلمات علما در این باره را با دسته بندی مناسب آوردیم و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دادیم. امید است مورد رضایت حضرت بقیه الله اعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گیرد!

بی نوشتها:

۱. تذكرة الفقها، ج ۴، ص ۳۶۶
۲. مدارك الأحكام، ج ۴، ص ۴۶۶
۳. ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۴۱۳
۴. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ج ۳، ص ۱۳۵
۵. رسالة صاحب المعالم نسخة خطي موجود در كتابخانه مرحوم آيت الله مرعشي، به شماره ۵۱۱۲، ص ۹، سطر ۲۱
۶. مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ۳، ص ۴۱۹
۷. مصابيح الظلام، ج ۲، ص ۱۸۷
۸. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۱، ص ۴۳۸
۹. كشف الالتباس عن موجز أبي العباس، نسخة خطي موجود در كتابخانه مرحوم آيت الله مرعشي، به شماره ۲۷۳۳، ص ۲۰۱، سطر ۲۱
۱۰. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص ۳۲۹
۱۱. مستمسك العروة الوثقى، ج ۸، ص ۱۷۹
۱۲. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص ۳۳۳
۱۳. صلاة المسافرين، (للصفهاني)، ص ۱۶۸
۱۴. صلاة المسافرين، (للسيد الأصفهاني)، ص ۱۹۶
۱۵. موسوعة الإمام الخوئي، ج ۲۰، ص ۳۹۵
۱۶. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۵۳۴، ذيل حديث ۱۱۳۷۶
۱۷. رياض المسائل، چاپ جديد، ج ۴، ص ۳۷۷
۱۸. الخلاف، ج ۱، ص ۵۷۶
۱۹. السرائر الحاوي لتحرير...، ج ۱، ص ۳۴۳
۲۰. ذكرى الشيعة في احكام الشريعة، ج ۴، ص ۲۹۰
۲۱. رسائل المحقق الكركي، ج ۳، ص ۲۴۸
۲۲. روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، چاپ جديد، ج ۲، ص ۱۰۵
۲۳. الدررة النجفيه به نقل از مفتاح الكرامه، ج ۱، ص ۲۹۸
۲۴. الخلاف، ج ۱، ص ۵۷۶
۲۵. رياض المسائل، چاپ جديد، ج ۴، ص ۳۷۷
۲۶. الاستبصار فيما اختلفت من الأخبار، ج ۲، ص ۳۳۵؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۳۱؛ وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۵۲۷
۲۷. الاستبصار فيما اختلفت من الأخبار، ج ۲، ص ۳۳۴؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۳۰؛ وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۵۲۹
۲۸. الكافي، ج ۴، ص ۵۲۵؛ وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۵۳۰
۲۹. النجم الزاهر في صلاة المسافر، ص ۹۸
۳۰. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۱، ص ۴۴۵
۳۱. محاضرات في فقه الإماميه، ج ۱، ص ۳۰۹: أما ما روي في التخيير: «...- رواية الحسين بن مختار عن أبي إبراهيم عليه السلام...»
۳۲. جامع المدارك في شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۵۸۹
۳۳. ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۴۱۳
۳۴. رياض المسائل، چاپ جديد، ج ۴، ص ۳۷۷
۳۵. جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۳۳۳
۳۶. مناهج الأحكام، ص ۷۵۴
۳۷. كتاب الصلاة (للحائري)، ص ۶۵۳
۳۸. الاستبصار فيما اختلفت من الأخبار، ج ۲، ص ۳۳۴؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۳۱
۳۹. جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۳۳۳
۴۰. مصابيح الظلام، ج ۲، ص ۱۹۱
۴۱. كتاب الصلاة (للحائري)، ص ۶۵۳
۴۲. مدارك الأحكام في شرح عبادات...، ج ۴، ص ۴۶۹
۴۳. مناهج الأحكام، ص ۷۵۴
۴۴. تهذيب الاحكام، ج ۵، ص ۴۲۸، حديث ۱۴۸۷ - الكافي، ج ۴، ص ۵۲۵، حديث ۸ - وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۵۲۴، حديث ۱۱۳۴۶
۴۵. مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان،

- ج ٣، ص ٤٢٠ محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٠٩؛ جامع المدارك في شرح مختصر النافع، ج ١، ص ٥٨٨؛ موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٠؛ فقه الصادق، ج ٦، ص ٤٢٥
٤٦. مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٧
٤٧. تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٣٢؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٨٨؛ الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ٢، ص ٣٣٦
٤٨. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ١٨، ص ٣١٧ و بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٨٣؛ موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤١٤
٤٩. بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٨٣
٥٠. كامل الزيارات، باب ٨١، ص ٢٤٨، ج ٧؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٥٤٦، ج ٣
٥١. تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٨، حديث ١٤٨٧
٥٢. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١١، ص ٤٤٧
٥٣. مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٧؛ محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣١٤
٥٤. النجم الزاهر في صلاة المسافرين، ص ١٠٤
٥٥. تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٩؛ الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ٢، ص ٣٣٣
٥٦. مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ٣، ص ٤٢٠؛ محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٠٩؛ البدر الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر، ص ٣٢٤
٥٧. موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٤؛ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١١، ص ٤٤٤
٥٨. الحدائق الناضرة ...، ج ١١، ص ٤٤٤
٥٩. مناهج الأحكام، ص ٧٥٣
٦٠. صلاة المسافرين (للأصفهاني)، ص ١٧١
٦١. الوافي، ج ٧، ص ١٨٦، ذيل حديث ٥٧٣٧
٦٢. مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٩
٦٣. همان، ج ٢، ص ٢٠٢
٦٤. همان.
٦٥. مناهج الأحكام، ص ٧٥٣؛ رياض المسائل، چاپ جديد، ج ٤، ص ٣٨٠؛ مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج ٨، ص ٣١١؛ البدر الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر، ص ٣٢٤؛ محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٠٩؛ موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٤
٦٦. من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٤٣؛ حديث ١٢٨٣؛ الخصال، ص ٢٥٢، حديث ١٢٣؛ تذكرة الفقهاء چاپ جديد، ج ٤، ص ٣٦٦
٦٧. مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج ٨
٦٨. مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ٣، ص ٤٢٤؛ موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٣٩٦
٦٩. الحدائق الناضرة ...، ج ١١، ص ٤٥٠
٧٠. محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٠٥؛ البدر الزاهر، ص ٣٢٧
٧١. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥٢٥
٧٢. محاضرات في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٠٥
٧٣. تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٧؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥٢٧؛ الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ٢، ص ٣٣١
٧٤. مستند الشيعة، ج ٨، ص ٣١٠؛ حدائق الناظره ...، ج ١١، ص ٤٥٠؛ مستمسك العروة الوثقى، ج ٨، ص ١٨٤؛ مناهج الأحكام، ص ٧٥٩؛ موسوعة الامام خوي، ج ٢٠، ص ٣٩٦
٧٥. كامل الزيارات، ص ٢٤٧
٧٦. الحدائق الناظره، ج ١١، ص ٤٥٠
٧٧. الكافي، ج ٤، ص ٥٢٤؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٩
٧٨. الكافي، ج ٤، ص ٥٢٤؛ التهذيب، ج ٥، ص ٤٩١
٧٩. التهذيب، ج ٥، ص ٤٣٠؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥٢٦
٨٠. صلاة المسافرين (للأصفهاني)، ص ١٧٠؛ مهذب الأحكام، ج ٩، ص ٣٠١؛ جواهر الكلام في شرح

- ١٠٣ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٢
- ١٠٤ . وسائل الشيعه، ج ٨، صص ٥٣١ و ٥٢٤؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٢٤؛ التهذيب، ج ٥، صص ٤٣٠ و ٤٢٧
- ١٠٥ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٢
- ١٠٦ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٢
- ١٠٧ . تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٨؛ الاستبصار، ج ٤، ص ٣٣٢؛ وسائل الشيعه، ج ٨، ص ٥٣٤، حديث ١١٣٧٧
- ١٠٨ . تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٢٩؛ الاستبصار، فيما اختلف من الأخبار، ج ٢، ص ٣٣٣
- ١٠٩ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٢
- ١١٠ . وسائل الشيعه، ج ٢٧، ص ١٠٦، باب وجوه الجمع بين الأحاديث المختلفة وكيفية العمل بها.
- ١١١ . مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٣
- ١١٢ . وسائل الشيعه، ج ٨، صص ٥٣١ و ٥٢٤؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٢٤؛ التهذيب، ج ٥، صص ٤٣٠ و ٤٢٧
- ١١٣ . جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ١٤، ص ٣٣٦
- ١١٤ . وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٠٩، باب ٣٧ و ص ٤٤٣، باب ٤٤ من ابواب المزار؛ فردوس الأخبار، ج ١، ص ٢٧٧، حديث ٨٦٨
- ١١٥ . تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ٥٢، ح ١٢٢؛ مصباح المتجهذ، ص ٧٨٨؛ وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٧٨ ح ١٩٦٤٣
- ١١٦ . الكافي، ج ٤، ص ٥٨٤، ح ١؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٣٤٨، حديث ١٥٩٨؛ عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ٢٩٢، ح ٢٦؛ وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٥٦٢، حديث ١٩٨٢٩
- ١١٧ . تاريخ حبيب السير، ج ٢، ص ٢٦٩؛ تاريخ الخلفاء، ص ٣٤٧
- ١١٨ . مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٤
- شرائع الإسلام، ج ١٤، ص ٣٣٤؛ مستند الشيعه في أحكام الشريعه، ج ٨، ص ٣٠٩
- ٨١ . كتاب الصلاة، (للحائري)، ص ٦٥٣
- ٨٢ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٣٩٦
- ٨٣ . مصابيح الظلام، ج ٢، ص ١٩٦
- ٨٤ . مستمسك العروة الوثقى، ج ٨، ص ١٨٣
- ٨٥ . وسائل الشيعه، ج ٨، ص ٥٢٥؛ تهذيب الاحكام، ج ٥، ص ٤٢٨، حديث ١٤٨٧؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٢٥، حديث ٨
- ٨٦ . مستند الشيعه في أحكام الشريعه، ج ٨، ص ٣١٢؛ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١١، ص ٤٤٢
- ٨٧ . الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١١، ص ٤٥١؛ مستند الشيعه في أحكام الشريعه، ج ٨، ص ٣١٢
- ٨٨ . مستند الشيعه في أحكام الشريعه، ج ٨، ص ٣١٢
- ٨٩ . الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١١، ص ٤٥١
- ٩٠ . از باب نمونه: بحوث في علم الأصول، ج ٧، ص ٣٩٠
- ٩١ . مصباح الأصول، ج ٢، ص ١٤١ و دراسات في علم الأصول، ج ٣، ص ١٤٧؛ فوائد الأصول، ج ٣، ص ١٥٣؛ نهاية الأفكار، ج ٣، ص ٩٩
- ٩٢ . احكام الصلاة، (لشيخ الشريعه)، ص ٢٨٤
- ٩٣ . مستند الشيعه في أحكام الشريعه، ج ٨، ص ٣١١
- ٩٤ . صلاة المسافرين، (للأصفهاني)، ص ١٧١
- ٩٥ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٠، ص ٤٠٢
- ٩٦ . المغني، ج ٢، ص ١٠٨
- ٩٧ . البداية المجتهد ونهاية المقتصد، ج ١، ص ١٢٠
- ٩٨ . المهذب، ج ١، ص ١٤٢؛ الأم، ج ١، ص ٢١٠
- ٩٩ . بدائع الصنائع، ج ١، ص ٩١
- ١٠٠ . الفقه على المذاهب الاربعه، ج ١، ص ٤٧١
- ١٠١ . نساء: ١٠١
- ١٠٢ . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٣٤